

## سخن سردبیر

شماره جدید دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق عمومی آماده انتشار است. بیش و پیش از هر چیز، بر خود لازم می‌دانم از زحمات خالصانه تک‌تک اعضای پژوهشکده حقوق و قانون که در امر انتشار مجله فعال هستند، به‌ویژه جناب محمدجواد درویش‌زاده عزیز، صمیمانه سپاسگزاری کنم. بی‌گمان، بدون فعالیت نظام‌مند و متعهدانه این عزیزان این اثر و هیچ یک از آثار ارزشمند پژوهشکده به ثمر نمی‌رسید. همچنین، از دانشمند محترم جناب آقای محمد درویش‌زاده، رئیس پژوهشکده و مدیر مسئول مجله، برای فراهم‌آوردن چنین امکان و مجال و حمایت‌های بی‌دریغ بسیار تشکر می‌کنم.

مجله «تحقیق و توسعه در حقوق عمومی»، در درجه نخست، محملی برای آسیب‌شناسی نظام حقوق عمومی کشور و، در درجه بعدی، تعریف پژوهش‌های اصیل در راستای ترمیم و تحول این نظام حقوقی است. این مهم به نوبه خود بی‌گمان بدون تبیین و توجیه مبانی نظری مربوط به دست‌نیامدنی است. همه اجزای کوشش‌های پژوهشی یادشده اما میان‌رشته‌ای و پیچیده هستند. بنابراین، اندیشمندان حقوقی هم خود باید باب تحقیقات چندرشته‌ای و میان‌رشته‌ای را باید بگشایند و هم نظریه‌پردازان و محققان دیگر رشته‌های مرتبط با قلمرو حقوق عمومی را به ورود به این حوزه دعوت کرده و مقدم ایشان را مبارک و پرفیض بدانند.

از دیگر سو، مجله تحقیق و توسعه در حقوق عمومی موقع و مقام بسیار مناسبی برای ترسیم استدلالی اجزای تشکیل‌دهنده اصلی نظام حقوق عمومی است. آنها کدامند؟ ممکن است بر عضویت حقوق اساسی و حقوق اداری در این شاخه از نظام حقوقی میان اهل فن اجماع وجود داشته باشد، اما ممکن است در خصوص دیگر اجزای و عناصر تشکیل‌دهنده این شاخه مهم حقوقی میان ایشان اتفاق نظر وجود نداشته باشد. در واقع، ادعای عضویت یک موضوع و رشته خاص در شعبه عمومی نظام حقوقی مستلزم ارائه

استدلال و دلیل استوار است. برای نمونه، حقوق رقابت یا حقوق ضدانحصار بی‌گمان از اجزای اصلی تشکیل‌دهنده حقوق عمومی است که برای حفظ کیان بازار شکل گرفته و عمل می‌کند. هیچ قدرت و نهادی جز قدرت و نهاد حکومت نمی‌تواند اصل نهاد و سازوکار بازار را حفظ کند. در مقابل، در وضعیت فعلی کشور، نیاز به «نظام حقوقی ضدانحصار» وجود دارد که متأسفانه نه کوشش پژوهشی در این زمینه صورت می‌گیرد و نه در عمل اقدام تقنینی و قضائی و اجرایی خاص در این راستا دنبال می‌شود تا رفته‌رفته «حقوق ضدانحصار» در این مرز و بوم شکل بگیرد، که بی‌گمان یکی از عناصر متشکله حقوق عمومی خواهد بود. از دیگر سو، حقوق کار در وضعیت اقتصادی اجتماعی ایران در حوزه حقوق عمومی باید باشد، اما معلوم نیست در همه جوامع چنین چیزی لازم باشد. همه چیز، در این زمینه، به وضعیت اقتصادی، سطح فرهنگی و مناسبات جوامع مدنی در یک کشور وابسته است. کاملاً ممکن است در کشوری این رشته از حقوق عمده‌تأ در عداد موضوعات حقوق خصوصی باشد. چنین بحث‌ها و محاجه‌هایی را می‌توان پیرامون موضوعات حقوقی‌ای که در رشته‌های عمومی یا خصوصی یا کیفری بحث و فحص می‌شوند به میان آورد.

افزون بر این، در همه موارد پیش‌گفته، تجربه‌های موازی را باید در مد نظر قرار داد. آیا دیگر نظام‌های حقوق عمومی در کشورهای دنیا آموزه و بصیرتی برای ارائه به ما دارند؟ بی‌گمان، تجربه دیگر ملل را در این زمینه باید جدی گرفت. به دیگر سخن، به‌جرات می‌توان گفت که مطالعات تطبیقی در قلمرو حقوق عمومی می‌توانند کمکی بسزا در عدم اختراع مجدد چرخ کنند؛ با این تبصره (چنانکه در اشاره به حقوق کار آمد) که بافت و زمینه هر نظام حقوقی را نیز باید مطالعه کرده و جدی گرفت. در این ارتباط، نظام‌های حقوقی دیگر کشورها را، در یک تقسیم‌بندی به‌تبع وضعیت کلی آنها، می‌توان به نسبتاً توسعه‌یافته و در حال توسعه طبقه‌بندی کرد. در تقسیم‌بندی دیگر، می‌توان کشورهای در حال توسعه را به (اکثراً) مسلمان و (اکثراً) غیرمسلمان طبقه‌بندی کرد. بدین سان، شاید بتوان مؤکداً توصیه کرد که پژوهش‌های حقوق تطبیقی، به‌منظور حفظ تعادل و تقویت ثمردهی نظری پژوهش، دست‌کم یک کشور از سه دسته یادشده (نسبتاً توسعه‌یافته، در حال توسعه مسلمان، در حال توسعه غیرمسلمان) در مطالعه خود بگنجانند.

همچنین، در تکمیل مطالعات تطبیقی، مطالعات حقوق عمومی ناگزیر از توجه به تحولات نظام حقوقی بین‌المللی حول موضوعات اصلی حقوق عمومی هستند. نظام حقوقی بین‌المللی - به‌ویژه در سه حوزه اقتصاد و تجارت، بهداشت و حق - هم با نظام‌های داخلی حقوقی تعامل دارند و هم بر آنها تأثیرگذارند. از این رو، توجه مستمر به تحولات مربوط این نظام حقوقی می‌تواند نفع راهبردی برای حقوق عمومی کشور به ارمغان آورد؛ ضمن آنکه، همانند مطالعه حقوقی تطبیقی، فعالیت‌های بین‌المللی حقوقی، به معنای دقیق کلمه، در قلمرو حقوق عمومی را باید با احتیاط و وسواس بسیار نگریست و تحلیل کرد. نه رد کامل دستاوردهای حقوقی بین‌المللی قابل دفاع است و نه قبول بی‌چون و چرای آنها. نگاه تحلیلی و گزینش‌گر منش و روش همه ملت‌های فرهیخته بوده است.

باری، مهم‌ترین و حساس‌ترین بخش مطالعات و پژوهش‌ها شاید به مبانی نظری توسعه حقوق عمومی در کشور باز گردد. این نوع مطالعه و تحقیق بی‌گمان میان‌رشته‌ای و در بسیاری موارد فلسفی است. از تاریخ پیدایش مفاهیم و نهادهای جدید در نظام حقوق عمومی ایران مدت چندان زیادی نمی‌گذرد. به جرأت می‌توان گفت در مراحل جنینی شکل‌گیری این فرایند هستیم. از این رو، مباحث اولیه و بنیادین - مانند حاکمیت «قانون» در معنای دقیق و معاصر کلمه، جایگاه «شهروندی» اعضای جامعه سیاسی، نظام واحد محاکم و استقلال آنها در معنای فنی و مضیق، شفافیت و پاسخگویی صاحبان مناصب و نهادهای حکومتی، نظام شبکه‌ای «نظارت» بر همه اجزای حکومت، نهاد «دولت» در مقابل حکومت و به‌رسمیت‌شناخت «ملت» به منزله قوه مؤسس و مشروعیت‌بخش دولت، نسبت نظام حقوق عمومی با فرهنگ غالب و مناسبات تاریخی قدرت - همچنان تشکیل‌دهنده مضمون‌های اصلی پژوهش‌های اصیل بومی را باید تشکیل دهند. در این ارتباط، این سخنی صحیح به نظر می‌رسد که حقوق عمومی (اگر چه به نظر می‌رسد کل حقوق) وجهی از امر سیاسی (the political) است. این موضوع را باید هم از منظر پدیدارشناختی و هم از منظر فلسفه بایدها مطالعه‌ای جدی کرد تا گرهی از گره‌های نظری بنیادی در حقوق عمومی باز شود. از دیگر سو، تاریخ حکومت و نظام حقوقی عمومی در این مرز و بوم نشانگر آن است که این نظام حقوقی با سه موضوع محوری روبه‌رو است: (۱)

ساختار و مناسبات گریز از قانون (هم در سطح فرمانروایی و هم در سطح فرمانبری)، (۲) دین و نهادهای مربوط و (۳) رقابت‌های قدرتهای اصلی دنیا در کشور به سبب موقعیت جغرافیایی و منابع طبیعی‌اش. به نظر نمی‌رسد بدون توجه نظری و تحلیلی به این سه موضوع محوری، که ریشه‌های عمیق و ستبر تاریخی در حیات فردی و جمعی کشور دارند، بتوان گامی روشن و مؤثر در جهت تحقیق و توسعه اصیل حقوق عمومی در بافت و زمینه حاضر برداشت.

آخر، گفتنی است که (هم‌راستا با سنت حسنه مجلات معتبر در دنیا) به تدریج سعی خواهد شد مقالات هر شماره از مجله حول یک یا دو مضمون خاص در قلمرو حقوق عمومی، به تفصیل بالا، باشد، به عون الهی.

محمد راسخ

دانشکده‌ی حقوق

دانشگاه شهید بهشتی

## Editor in Chief's Note

With extreme delight, we have the new issue of the bi-quarterly Research and Development in Public Law journal ready. It is imperative to express my sincere gratitude towards all the staff of the Iranian Law and Legal Research Institute who have been actively involved in all the processes to this point. This issue embraces papers on various aspects - municipal, comparative and international - of public law. In any case, this journal is a vehicle for the pathology of the public legal system and for laying out genuine research projects for tackling the problems of the system. On the other hand, scholars are invited to put forth discussions and arguments for the constitutive elements of a public legal system, as such elements are not the same in different such systems in diverse countries. Moreover, we put an emphasis on the international legal developments which may help the relevant local law. Further, and more importantly, the theoretical foundations of public law are to be taken seriously, as the modern version of this branch of the legal system is in its seminal stage in the country. Therefore, new ideas in public law for our context are in need of theoretical bases which succeed in reconciling them with the local-historical heritage of the country while tackling the problem of arbitrary rule and that of international rivalries therein.

**Prof. Mohamad Rasekh (PhD)**

**The Faculty of Law**

**Shahid-Beheshti University**